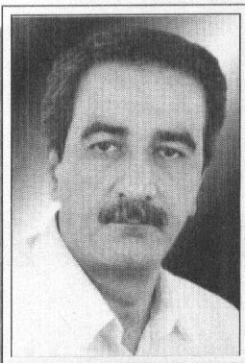
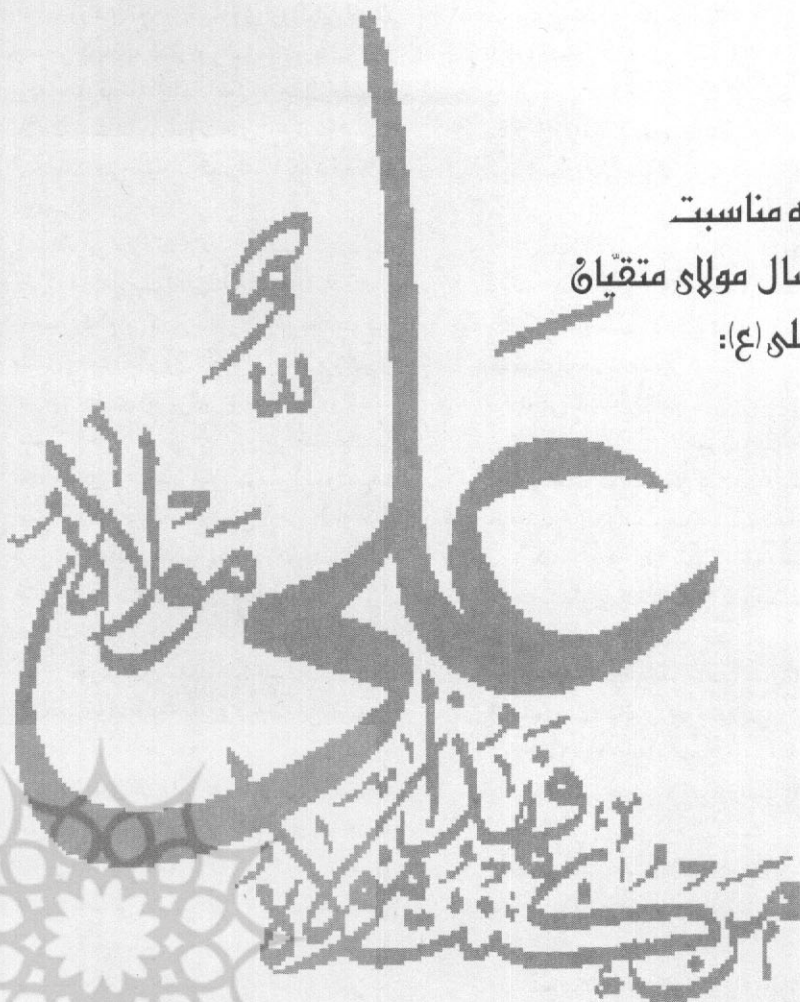


به مناسبت  
سال مولای متقیان  
علی (ع):



زین سبت - ساسمک (فوتوفات)

زین سبت پیغمبر با اجتهاد  
نام خود و ان علی «مولی» نهاد  
گفت هر کاه را منم مولی و دوست  
ابن عم من علی مولای اوست<sup>۱</sup>  
گذشته از قرآن مجید که کتاب آسمانی و کلام  
خداوند متعال است و از زبان نبی اکرم (ص) بیان  
شده، علما و دانشمندان، نهج البلاغه را مخ القرآن  
و «فروتر از کلام خدا و فراتر از سخن بشر»<sup>۲</sup>  
نامیده اند که کلام آن از دریای بی کران الهی تراوش  
کرده و از زبان مولی الموحّدین حضرت علی (ع)  
جاری گردیده است و برای همین است که  
پیامبر (ص) او را باب مدینه العلم فرموده اند. استاد  
محمد تقی جعفری درباره ی این کتاب فرموده اند:  
«نهج البلاغه آن دوم کتاب انسان ها تا حدودی  
باز گوکننده ی حقیقت علی (ع) و آن حوادث و  
جریانات است که بانگ های الهی علی (ع) را  
به خوبی (نه کاملاً و همه جانبه) ابراز می کند.»<sup>۳</sup>  
استاد جعفر شهیدی در مقدمه ی ترجمه اش  
بر این کتاب گران سنگ آورده اند: «برای آن که  
نپندارند دل بستگی نگارنده به مذهب شیعه و  
شیفتگی وی به مکارم اخلاق و صفات انسانی  
علی (ع) او را به چنین داوری واداشته است تنها  
ترجمه ی یک فقره از مقدمه ی شیخ بزرگوار محمد  
عبده - رحمة الله علیه - مفتی پیشین دیار مصر را  
که از علمای سنت و جماعت است می نویسم تا  
معلوم شود صرافان سخن بدین گنجینه ی گوهر چه  
نظری دارند و چه ارجی می نهند: «هنگام خواندن  
چون عبارتی به عبارت دیگری می پردازم می دیدم  
جولانگه اندیشه و دیدگاه بصیرت تغییر می یابد.  
گاهی خود را در جهانی از معانی بلند می دیدم که  
در پوششی از لفظ های رخشان خیره کننده، به  
زیارت جان های پاک می آید و در دل های زدوده



# تأثیرپذیری های مولوی از نهج البلاغه در مثنوی

نویسنده در این مقاله دفتر به دفتر به تأثیرپذیری مولانا از نهج البلاغه پرداخته است. در هر مورد نویسنده با ارجاع دقیق به نهج البلاغه می کوشد نزدیکی کلام مولوی را به مولانا نشان دهد.  
در این جستار سعی مؤلف بر آن بوده است تا انواع تأثیر را در کلام مولانا بررسی نماید. در مقدمه ی مقاله نیز با عظمت نهج البلاغه و تأثیر آن در متون بیشتر آشنا می شویم.  
نویسنده ی مقاله آقای سیامک رفیعیان از دبیران زبان و ادب فارسی شهرستان تبریز است. وی به سال ۱۳۳۵ در تبریز متولد شد و تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی ارشد پیش برد. هم اکنون در مرکز آموزش پیش دانشگاهی آیت الله طالقانی تبریز مشغول به تدریس است.

از غل و غش رخت می گشاید... و گاهی جمله و عبارت‌ها چنان می نمود که گویی با چهره‌های عبوس و درهم ریخته و دندان‌های بر یکدیگر فشرده و چنگال عقابان درهم شکننده‌ی آماده‌ی حمله روبه‌رو هستم و گاهی عقلی نورانی را می دیدم که با آفریدی جسمانی همانندی ندارد.

از کاروان‌های خدایی جدا شده و با روح انسانی پیوسته و پس از آن که آن را از آلودگی و سوسه‌ها پاک ساخته تشریفی از عالم طبیعت بدو پوشانده سپس آن را با خویش به ملکوت اعلی برده و تا پایگاه تجلی انوار الهی رسانده و در کنف قدس ربوبی ساکن کرده است، و گاهی خطیبی را می دیدم که والیان امت را مخاطب ساخته با صدایی رسا آنان را تعلیم می دهد و راه صواب و خطا را به ایشان می نمایاند و دقایق سیاست را به آنان می آموزد و از پیمودن راهی که به ورطه‌ی گمراهی پایان می یابد، بر حذر می دارد.<sup>۲</sup>

علی (ع) شخصیتی است که دوست و دشمن به حقانیت وی و «لم یکن بعد از نبی مثلث له کفو احد»<sup>۳</sup> اذعان نموده اند.

پیامبر اکرم (ص) درباره‌ی مولای متقیان فرموده اند: «كُنْتُ مَعَ جَمِيعِ الْاَنْبِيَاءِ سِرًّا وَمَعَ خَاتَمِهِمْ جَهْرًا»<sup>۴</sup>. به همین منظور هم مولانا وی را «افتخار هرنبی و ولی»<sup>۵</sup> می داند. شبلی شمسلی ماتریالیست معروف درباره‌ی وی گوید: «پیشوا، علی بن ابیطالب بزرگ بزرگان، یگانه نسخه ایست که نه شرق و نه غرب نه دیروز نه امروز نسخه ای مطابق این اصل را ندیده است.»<sup>۶</sup>

حال از خود می پرسیم مولانا در مثنوی معنوی خود از کتاب و شخصیتی با این عظمت، چگونه می تواند متأثر نباشد. مثنوی که آن را قرآن فارسی دانسته اند و کلام علی (ع) هم به هیچ وجه خارج از چهارچوب قرآن نمی تواند باشد.

دکتر شهیدی نوشته اند: «در خلال خواندن مثنوی متوجه شدم مولانا به فرموده‌ی امیر مؤمنان، علی (ع) دل بستگی خاصی داشته و جای جای سخنان آن حضرت را در قالب شعر ریخته اند تا آن جا که مقدور بود، بدین اقتباس‌ها اشارت شده است.<sup>۸</sup> و نیز: «پژوهنده هرگاه خطبه‌ها و رساله‌های ادیبان عرب و بلکه شعرهای شاعران عربی زبان پس از اسلام را بررسی کند، خواهد دید که کمتر شاعر و ادیبی است که معنی را از سخنان علی (ع) نگرفته و یا گفته‌ی او را در نوشته یا سروده‌ی خویش تضمین نکرده باشد. در ایران اسلامی نیز سیرت شاعران و نویسندگان بر این بوده است که نوشته‌های خود را به گفته‌های امام بیاریند یا معنی‌های بلند سخنان وی را در شعر

خود بیاورند و آنچه موجب روی آوردن این ادیبان و سخن‌گویان به گفتار امیرالمؤمنین، علی (ع) بوده است گذشته از کمال معنی و جمال لفظ، بلاغت است که در عبارت‌های امام نهفته است! گنجاندن معنی بسیار در کمتر لفظ، بدون اخلال در معنی.»<sup>۹</sup>

بنابر این مولانا ارادت خاصی نسبت به علی (ع) و اهل بیت (علیهم السلام) داشته. ماحصل کلام این که در تمامی آثارش بخصوص مثنوی معنوی تأثر وی از فرمایشات آن بزرگوار حتی در نحوه‌ی زندگی اش کاملاً مشهود و آشکار است. با عنایت به موارد مذکور مولانا حتماً مجموعه‌ای از سخنان حضرت علی (ع) را دیده است چنان که نوشته اند: «علی (رضی الله عنه) فرمود در خطبه‌ی خویش (و احذرکم الدنیا فانها غرارة مکاراة سحارة)»<sup>۱۰</sup> و یا به فرمایشی از آن حضرت اشاره کرده و ده‌ها بار مضمون آن را در مثنوی معنوی تکرار نموده اند: «پس آنچه علی گفت مَن عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رِبَّهُ این نفس را گفت»<sup>۱۱</sup>

خلاصه‌ی کلام این که مولوی به حضرت علی (ع) دل بستگی خاصی داشته و او را «جمله عقل و دیده»<sup>۱۲</sup> دانسته. تا آن جایی که در بضاعت علمی اندک این جانب بوده و در آن تفحص نموده‌ام تقریباً در دو هزار بیت کاملاً مشهود می باشد و تصویری کم تا این حدود، حتی در شاعران شیعی مذهب ما نیز به طور مستند وجود نداشته باشد.

در این مقاله به اندکی از آن‌ها اشاره می شود «تا چه قبول افتد و چه در نظر آید».

### مثنوی، دفتر اول

۱- رگ رگست این آب شیرین و آب شور در خلائق می رود تا تفتح صور نیکوان را هست میراث از خوش آب آن چه میراث است آورثنا الکتاب

دفتر اول، ابیات ۷۴۷-۷۴۶  
مستفاد از این فرمایش مولانا (ع) است:  
اِنَّمَا فَرَّقَ بَيْنَهُمْ مَبَادِيءَ طَبِئَتِهِمْ وَ ذَالِكَ اِنَّهُمْ كَانُوا فِلْقَةً مِنْ سِجِّ اَرْضٍ وَ عَدْبِهَا، وَ حَزَنٌ تَرِيَّةٌ وَ سَهْلُهَا.

نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴  
ترجمه: سرشت مردمان از یکدیگر جداشان ساخته، و میانشان تفرقه انداخته، که ترکیبشان از پاره‌ای زمین است که شور و یا شیرین است، و خاکی درشت یا نرمین.

ترجمه نهج البلاغه‌ی دکتر شهیدی، ص ۵۱

۲- منگر اندر ما مکن در ما نظر اندر اکرام و سخای خود نگر

دفتر اول، بیت ۶۰۹  
یادآور این فرموده از حضرت علی (ع) است:  
اَللّٰهُمَّ اَحْمِلْنِيْ عَلٰى عَفْوِكَ، وَ لَا تَحْمِلْنِيْ عَلٰى عَدْلِكَ.

نهج البلاغه‌ی (فیض الاسلام)، خطبه ۲۱۸  
ترجمه: خدایا با من از روی عفو و بخشش خود رفتار کن نه به عدل و دادگریت.

۳- گفت پیغمبر: به تمیز کسان مرء محفی لَدُنٰی طٰى اللسان

دفتر اول، بیت ۱۲۷۰  
گفتاری مشابه با همین کلام از مولی امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است به این مضمون: تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا، فَاِنَّ السَّمْرَةَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ، «سخن بگویند تا شناخته شوید، همانا جوهر آدمی در زیر زبانش پنهان است.»

نهج البلاغه، حکمت، شماره ۳۸۴  
۴- بنده‌ی شهوت ندارد خود خلاص جز به فضل ایزد و انعام خاص

دفتر اول، بیت ۳۸۱۷  
مستفاد از این فرمایش مولانا (ع) است:

وَ اَمْرُهُ اَنْ يَّكْسِرَ نَفْسَهُ عِنْدَ الشَّهَوَاتِ، وَ يَزِيحَهَا عِنْدَ الْجَمْعَاتِ، فَاِنَّ النَّفْسَ اَمْرًا بِالسُّوءِ الْاَمْرَجِمُ اَللّٰهُ

نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۲، فقره‌ی ۴، ص ۹۹۲  
ترجمه: و او را امری فرماید که نفس خود را هنگام شهوات و خواهش‌ها فرو نشاند و هنگام سرکشی‌ها آن را باز دارد زیرا نفس به بدی و می دارد مگر کسی را که خدا رحم فرماید.

۵- تو ترازوی احد خو بوده‌ای بل زبانه‌ی هر ترازو بوده‌ای

دفتر اول، بیت ۳۹۸۲  
زبانه‌ی هر ترازو: معیار شناخت مؤمن از منافق، بدین جهت است که رسول (ص) در وصف او فرمود: «وَذٰلِكَ اَنَّهُ قَضٰى فَاَنْقَضٰى عَلٰى لِسَانِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ - اَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ لَا يَغِيْضُكَ مُؤْمِنٌ، وَ لَا يَحْبِبُكَ مُنَافِقٌ.»

نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۴۵  
ترجمه: ... مؤمن تو را دشمن نگیرد و منافق دوستی تو نپذیرد.

به نقل از شرح مثنوی (دکتر شهیدی)، ص ۲۹۵

### مثنوی، دفتر دوم

۶- صوفیان تقصیر بودند و فقیر کادققرآن یعنی کفر آبی، دفتر دوم، بیت ۵۱۷  
تقریباً مضمون حدیث فوق علاوه بر حدیث



۹- زن که حکمت مؤمنان را ضالّه است

همچو دلاگه شهان را دالّه است

دفتر دوم، بیت ۱۶۶۰

الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَخَذِ الْحِكْمَةَ  
وَكُونِ مِنْ أَهْلِ التَّفَاقُقِ.

نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۸۰

ترجمه: حکمت گم شده ی مؤمن است.

حکمت را فراگیر هر چند از منافقان باشد.

شرح مثنوی دکتر شهیدی، ص ۳۲۹

۱۰- می نماید مار اندر چشم، مال

هر دو چشم خویش را نیکو بمال

دفتر دوم، بیت ۲۹۴۴

بیت فوق یاد آور این فرمایش مولا (ع) است:  
مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَلَةِ لَيْسَ مَسْهًا،  
وَالسُّمُّ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوِي إِلَيْهَا الْعِزُّ الْجَاهِلُ،  
وَيَحْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ لِلْعَاقِلِ!

نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۱۹

ترجمه: داستان دنیا چون داستان مار است

که دست بر آن بکشی نرم و در اندرونش زهر کشنده  
است، فریب خورده ی نادان به طرف آن می رود و  
خردمند پایان بین از آن دوری می گزیند.

### دفتر سوم مثنوی

۱۱- چشم باز و گوش باز و این عما

خیره ام در چشم بندی خدا

دفتر سوم، بیت ۱۱۰۹

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ مَنِيَتْ بِكُمْ بَثْلَاثٌ وَأَثْنَتَيْنِ: صُمٌّ  
ذَوُ أَسْمَاعٍ، وَبُكْمٌ ذَوُ كَلَامٍ، وَعُمَى ذَوُ أَبْصَارٍ.

نهج البلاغه، خطبه ۹۷ (ترجمه دکتر شهیدی)

ترجمه: مردم کوفه، گرفتار شما شده ام که

سه چیز دارید و دو چیز ندارید: کرانید با  
گوش های شنوا، گنگانید با زبان های گویا،

کورانید با چشم های بینا

۱۲- پس چرا ایمن شوی بر رای دل

عهد بندی تا شوی آخر خجیل؟

دفتر سوم، بیت ۱۶۴۵

حال که طبیعت قلب آدمی چنین است پس چرا

بر اندیشه و احوال قلب مطمئن می شوی و بر امری

عهد می بندی و سرانجام نیز شرمنده می گردی؟

عَرَفْتُ اللَّهَ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ وَحَلِّ الْعُقُودِ

نهج البلاغه (فیض الاسلام)، حکمت ۲۴۲.

ترجمه: «خدا را به دگرگونه شدن اراده های

آدمی و گشوده شدن گره پیمان های او شناختم.»

به نقل از شرح زمانی، ص ۴۲۰

۱۳- عیب خود یک ذره چشم کور او

می نبیند گرچه هست او عیب جو

دفتر سوم، بیت ۲۶۳۰

مشهور حضرت پیامبر (ص)، در کلمات قصار

مولیٰ الموحّدين حضرت علی (ع) مذکور است.

و قال (ع) لانه محمدین الحنفیة: یا بئسی، آتی  
أخاف علیک الفقر فأستعذ بالله منه، فإن الفقر  
منقصة للدين، مدهشة للعقل، داعية للمقت!

نهج البلاغه (ترجمه دکتر شهیدی)، کلمات قصار، ۳۱۹

ترجمه: [و به پسر خود محمدین حنفیه

فرمود: ] پسر کم از درویشی بر تو ترسانم پس از

آن، به خدا پناه بر که درویشی دین را زیان دارد و

خرد را سرگردان کند و دشمنی پدید آرد.

و یا: و انما یوتی الارض من اعواز اهلها.

نهج البلاغه (فیض الاسلام)، نامه ۵۳، فقره ۵۱

ترجمه: همواره ویرانی زمین به جهت

دست تنگی اهل آن است.

۷- هر جوابی کآن ز گوش آید به دل

چشم گفت از من شنو آن را بهل

گوش دلاگه است و چشم اهل وصال

چشم صاحب حال و گوش اصحاب قال

در شنود گوش تبدیل صفات

در عیان دیده ها تبدیل ذات

دفتر دوم، ابیات ۸۵۳-۸۵۵

و این فرموده ی امیر مؤمنان (ع) است:

أما إنه قد یرمی الرأمی، و تحطی السهام، و یحیل

[یحیک] الکلام، و باطل ذالک بیور، والله سمیع

و شهید. أما إنه لیس یسن الحق و الباطل إلا أربع

أصابع.

فستل علیه السلام عن معنی قوله هذا. فجمع

أصابعه و وصعها بین أذنه و عینه ثم قال: الباطل

آن تقول سمعت، و الحق أن تقول رأیت!

نهج البلاغه، خطبه ۱۴۱

ترجمه: «بدانید میان حق و باطل جز چهار

انگشت نیست. کسی معنی این سخن را پرسید.

امام انگشتان خود را فراهم آورد و برداشت و میان

گوش و دیده گذاشت سپس فرمود: باطل آن است

که بگویی شنیدم و حق آن است که بگویی دیدم.»

به نقل از شرح مثنوی (دکتر شهیدی)، صص ۱۷۷-۱۷۸

۸- نامشان از رشک حق پنهان بماند

هر گدایی نامشان را بر نخواند.

دفتر دوم، بیت ۹۳۲

حضرت علی (ع) در این باب می فرماید:

یجاهدوهم فی الله قوم اذله عند المتکبرین، فی

الارض مجهولون و فی السماء معرفون

نهج البلاغه، خطبه ۱۰۱

ترجمه: با فتنه جویان کسانی پیکار می کنند

که نزد گردن کشان خوار می نمایند، در روی زمین

گنماند و در آسمان، معروف.

به نقل از شرح زمانی، ص ۲۶۴، (شرح مثنوی کریم زمانی)

حضرت علی (ع) فرموده است که: «من نظر  
فی عیب نفسه اشتغل عن عیب غیره»: هر کس  
بر عیب خود بنگرد، از دیدن عیوب دیگران باز  
می ماند.

نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۷۷

به نقل از شرح مثنوی گولپنارلی، ص ۳۰۲

۱۴- نیست قدرت هر کسی را سازوار

عجز بهتر مایه ی پرهیزگار

دفتر سوم، بیت ۳۲۸۰

مأخوذ است از گفته ی مولای متقیان

علی (ع):

من العیصمه تعذر المعاصی

کلمات قصار، ۳۴۵

ترجمه: از پاک دامنی است دست نیافتن بر

گناهان

به نقل از احادیث مثنوی ص ۹۲

۱۵- نقش تن را تا فتاد از بام طشت

پیش چشمم کل آت، آت گشت

دفتر سوم، بیت ۴۵۴۰

وَ كُلُّ مَتَوَقَّعٍ آتٍ

«هر آنچه انتظار وقوعش رود بیاید.»

كُلُّ آتٍ قَرِيبٌ دَانٍ

«و هر آنچه آمدنی است قریب و نزدیک

است.»

نهج البلاغه، خطبه ۱۰۲

به نقل از شرح مثنوی کریم زمانی، ص ۱۱۵۶

### دفتر چهارم مثنوی

۱۶- قهر او را ضد لطفش کم شمر

اتحاد هر دو بین اندر اثر

دفتر چهارم، بیت ۵۴۶

و بِمُضَادَّتِهِ بَيْنَ الْأَشْيَاءِ عَرَفَ أَنَّ لَا ضِدَّ لَهُ.

نهج البلاغه (دکتر صبحی صالح)، خطبه ی ۱۸۶

ترجمه: و بدان جهت که او است که میان اشیا

تضاد را برقرار کرده است معلوم می شود که برای

او ضدی وجود ندارد.

به نقل از تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی

استاد جعفری، ج ۶، ص ۶۰۲

۱۷- تا بدانند در چه بود آن مبتلا

از کجاها در رسید او تا کجا

دفتر چهارم، بیت ۸۸۸

كما قال امير المؤمنين (ع):

وَعَجِبْتُ لِلْمُنْتَكِبِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ

نُطْفَةً وَ يَكُونُ غَدًا جِيفَةً

نهج البلاغه (فیض الاسلام)، کلمات قصار، شماره ی ۱۲۱

ترجمه: و شگفت دارم برای گردن کشی که

دیروز نطفه بود و فردا مردار می باشد.

و مَا لِابْنِ آدَمَ وَ السَّخْرِ أَوْلَهُ نُطْفَةٌ وَ آخِرُهُ

جِيفَةٌ وَ لَا يَزُقُّ نَفْسَهُ وَ لَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ

نهج البلاغه (فیض الاسلام)، کلمات قصار، شماره ۴۴۵

ترجمه: پسر آدم را چه با فخر و نازیدن که

اوگ او منی و آخر او مردار دببو است، نه خود را

روزی می دهد و نه مرگ خویش را دفع می نماید.

۱۸- احمق ار حلوا نهد اندر لبم

من از آن حلوای او اندر تبم

دفتر چهارم، بیت ۱۹۵۱

إِيَّاكَ وَ مُضَادَّةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ

فِيضْرُكَ

نهج البلاغه، نامه ی ۳۱

ترجمه: «بهره‌یز از دوستی با شخص احمق،

زیرا هر گاه او خواهد به تو سود رساند زیانت

دهد.»

به نقل از شرح مثنوی کریم زمانی، ص ۵۶۵

۱۹- ز آنک داند کاین جهان کاشتن

هست بهر محشر و برداشتن

دفتر چهارم، بیت ۲۹۸۴

یادآور فرمایش زیر از علی (ع) است:

وَ انَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَ لَا حِسَابَ، وَ غَدًا حِسَابٌ

وَ لَا عَمَلٌ

نهج البلاغه، خطبه ی ۴۲، فقره ی ۴

ترجمه: امروز روز عمل و کار است و

حساب و بازخواستی ندارد، و فردا روز حساب و

بازخواست است و موقع عمل و کار نیست.

۲۰- زان نبی دنیات را سحاره خواند

کاو بافسون خلق را در چه نشاند

دفتر چهارم، بیت ۳۱۹۳

إِحْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَسْحَرُ مِنْ هَارُوتَ وَ

مَارُوتَ

و کان مالک بن دینار یقول اتقوا

السَّحَّارَةَ فَإِنَّهَا سَحَرُ قُلُوبِ الْعَمَاءِ (یعنی

الدنیا)

احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۴۳ شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۴۰۹

به نقل از احادیث مثنوی، ص ۱۳۷

به نظر می رسد اشاره به این حدیث باشد که

مولوی در مجلس اوگ از مجالس سبعة

ص ۷ از علی (ع) نقل کرده است تقریباً مضمون

آن مطابق با خطبه ی ۲۳۰ نهج البلاغه ی (دکتر

صبحی صالح) می باشد.

فَاحْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا غَدَارَةٌ غَرَّارَةٌ

خَدُوعٌ، مُعْطِيَةٌ مَتَوَعٌ، مَلْبَسَةٌ نَزُوعٌ.

ترجمه: پس از دنیا بپرهیزید که بسیار

مکرکننده و فریب دهنده و بازی دهنده است

بخشنده ای است پس گیرنده و پوشاننده ای است

کننده.

### دفتر پنجم مثنوی

۲۱- این سلاح عجب من شد ای فتی

عجب آرد معجبا نرا صد بلا

دفتر پنجم، بیت ۶۴۷

وَ إِيَّاكَ وَ الْإِعْجَابَ يَنْفَسِكُ، وَ الثَّقَنَةَ بِمَا

يُعْجِبُكَ مِنْهَا، وَ حَبَّ الْإِطْرَاءِ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثَقِ

فُرْصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ يَمْتَحِقُ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ

الْمُحْسِنِينَ

نهج البلاغه، نامه ی ۵۳، فقره ی ۸۲

ترجمه: بپرهیز از خودپسندی و تکیه به چیزی

که ترا به خودپسندی و ادارد و از این که دوست

بداری مردم تو را بسیار بستایند. زیرا این حالت از

مهم ترین فرصت های شیطان است تا نیکی

نیکوکاران را از بین ببرد.

۲۲- جد را باید که جان بنده بود

زانک جد جوینده یابنده بود

دفتر پنجم، بیت ۱۳۴۲

مَنْ طَلَبَ شَيْئًا نَالَهُ أَوْ بَعْضُهُ

نهج البلاغه (صبحی صالح)، کلمات قصار، ۳۸۶

ترجمه: هر کس چیزی را بخواهد به آن یا

مقداری از آن می رسد.

۲۳- در محل دخل اگر خرجی کنی

درگه سودست، سودی بر زنی

دفتر پنجم، بیت ۱۴۸۳

مراد این است که اتفاق باید در محل مناسبش

صورت گیرد، چنانکه امام علی (ع) فرماید:

أَلَا وَ انَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ

إِسْرَافٌ

نهج البلاغه (فیض الاسلام)، خطبه ی ۱۲۶، فقره ی ۳

ترجمه: بدانید که بخشیدن مال به ناحق،

اسراف و تبذیر است.

به نقل از شرح جامع مثنوی کریم زمانی، ص ۴۰۸



۲۴- انگبین داروی تن رنجور را چشمه کرده باطن زنبور را

دستر پنجم، بیت ۱۶۳۶  
وَالطَّيِّبُ نُشْرَةً، وَالْعَسَلُ نُشْرَةً، وَالرُّكُوبُ نُشْرَةً وَالنَّظْرُ إِلَى الْخَضِرَةِ نُشْرَةٌ

نهج البلاغه (فیض الاسلام)، کلمات قصار، شماره ۳۹۲  
ترجمه: بوی خوش و عسل و سواری و نگاه کردن به سبزه افسون هایی هستند که غم ها و اندوه ها را می زدایند و بیماران به آن ها بهبودی می یابند.

۲۵- گوشت پاره آلت گویای او پیله پاره منظر بینی او

دستر پنجم، ابیات ۵۴-۱۸۵۳  
مِسْمَعٌ أَوْ أَنْ دُوْ پارِه استخوان  
مُدْرُ كَشُّ دُو قطره خون یعنی جَنَان  
إِعْجَبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانَ يَنْظُرُ بِشَحْمٍ وَ يَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ وَ يَسْمَعُ بِعَظْمٍ، وَ يَنْتَفِسُ مِنْ حَرَمٍ !!

نهج البلاغه، حکمت شماره ۷  
ترجمه: برای این انسان به شگفت آید که با پیهی می بیند و با گوشتی سخن می گوید و با استخوانی می شنود و از شکافی (بینی) نفس می کشد.

به نقل از شرح جامع مثنوی کریم زمانی، ص ۵۰۶ / و احادیث مثنوی، ص ۱۶۵

### دفتر ششم مثنوی

۲۶- نام، میری و وزیری و شهبی در نهانش مرگ و درد و جان دهی

دفتر ششم، بیت ۳۲۳

أَنَّمَا هِيَ مَتَاعٌ أَبَامِ فَلَانِلُ يَزُولُ مِنْهَا مَا كَانَ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ أَوْ كَمَا يَتَفَشَّعُ السَّحَابُ.

نهج البلاغه (فیض الاسلام)، انتهای خطبه ی ۳  
ترجمه: حکومت کالایی چند روزه است که آنچه از آن حاصل آید نباید و هم چون سراب به زوال رود و هم چون ابر پراکنده گردد.

به نقل از شرح جامع مثنوی کریم زمانی، صص ۱۰۹-۱۰۸

۲۷- آنچه نپسندی به خود ای شیخ دین چون نپسندی بر برادر؟ ای امین

دستر ششم، بیت ۱۵۶۹  
فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهْ لَهُ مَا تُكْرَهُ لَهَا

نهج البلاغه، نامه ی ۳۱  
ترجمه: هر آنچه برای خود می پسندی برای دیگران نیز پسند و هر آنچه که برای خود ناپسند می شمیری برای دیگران نیز ناپسند شمار.

به نقل از شرح جامع مثنوی کریم زمانی، ص ۴۴۴ و نقد و تحلیل مثنوی استاد جعفری، ج ۱۳، ص ۵۴۹

۲۸- گفت: اَلصَّدَقَةُ، مَرَدٌ لِلْبَلَاءِ دَاوٍ مَرَضَاكُم بِصَدَقَةٍ يَأْتِي

دستر ششم، بیت ۲۵۹۱  
مصراع دوم ناظر به این حدیث است: دَاوُوا مَرَضَاكُم بِالصَّدَقَةِ «بیماران خود را با صدقه مداوا کنید» این حدیث از امام صادق (ع) است.

امام علی (ع) نیز فرماید: الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ  
نهج البلاغه، حکمت شماره ۶

ترجمه: صدقه، دارویی است شفابخش به نقل از شرح جامع مثنوی کریم زمانی، ص ۶۸۰

۲۹- نیک بنگر ما نشستگی می رویم می بینی قاصد جای نویم پس مسافر این بود ای ره پرست که مسیر و روش در مستقبل است

دستر ششم، ابیات ۲۷۷۹ و ۲۷۷۷  
أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكِبٍ يَسَارِبُهُمْ وَ هُمْ نِيَامُ

نهج البلاغه (صبحی صالح)، کلمات قصار، ۶۴  
ترجمه: اهل دنیا مانند کاروانی هستند که ایشان را می برند در حالی که خوابند.

۳۰- مر بشر را خود مباحثه ای درست چون رهید از صبر در حین صدر جست مر بشر را پنجه و ناخن مباد که نه دین اندیشد آنگه نه سداد

دستر ششم، ۹۵-۴۷۹۴  
مَأخُذُ اسْتِ از گفته ی مولای مستقیان علی (ع):

مِنَ الْعِصْمَةِ تَعَدُّرُ الْمَعَاصِي

نهج البلاغه (صبحی صالح)، کلمات قصار، شماره ۳۴۵  
ترجمه: مشکل بودن معصیت ها سبب دوری انسان از گناهان می شود.

پنجه و ناخن داشتن: کنایه از مال و امکانات داشتن است و در کلمات قصار حضرت علی (ع) آمده است: أَلْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ

نهج البلاغه (فیض الاسلام)، حکمت ۵۵  
ترجمه: دارایی مایه و پایه ی شهوت ها و خواهش ها است.

پس نویس	۱۰- مجلس اوک از مجالس سبغه ص ۷	لاهوری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۴	فروزانفر، جلد های ۱ و ۲ و ۳، انتشارات زوآر، چاپ ۱۳۶۳
۱- دفتر ششم، ابیات ۳۹-۴۵۳۸	۱۱- فیه ما فیه ص ۵۶	۶- نشر و شرح مثنوی شریعت (در ۶ جلد)، عبدالباقی گولپتارلی، ترجمه و توضیح توفیق. هـ. سبحانی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اوک، تابستان ۱۳۷۱	۱۱- شرح مثنوی (جزو چهارم از دفتر اول)، دکتر جعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۶ بعلاوه دو جلد دیگر بر دفتر دوم مثنوی
۲- مقدمه ی ترجمه ی نهج البلاغه ی دکتر شهیدی	۱۲- ای علی که جمله عقل و دیده- شمع و آگو از آنج دیده / دفتر اول ۳۷۴۵	۷- شرح مثنوی معنوی، دکتر محمد استعلامی (در ۶ دفتر)، انتشارات زوآر، چاپ چهارم، ۱۳۷۲	۱۲- شرح جامع مثنوی معنوی (در ۶ جلد) کریم زمانی، چاپ و صحافی مؤسسه اطلاعات چاپ چهارم، ۱۳۷۷
۳- نقد و تحلیل مثنوی، ج ۶، ص ۴۶۲	فهرست منابع و مآخذ	۸- مثنوی، مرحوم حاج محمد رضانی، پیک ایران، ناشر: کلاله خاور (انتشارات بدیده)، چاپ پنجم، بهمن ماه ۱۳۶۵	۱۳- المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، سید کاظم محمدی- محمد دشتی، مؤسسه النشر الاسلامی تاریخ ۱۴۱۷ هـ.
۴- مقدمه ی ترجمه ی دکتر جعفر شهیدی بر نهج البلاغه	۱- نهج البلاغه، ترجمه و شرح حاج سید علی نقی فیض الاسلام، چاپ احمدی، تجدید چاپ، پاییز ۱۳۶۵	۹- مثنوی معنوی جلال الدین محمد بن محمد بن الحسن البلیخی ثم الرومی (در چهار جلد) به تصحیح رینولد. ا. نیکلسون. به اهتمام دکتر نصرالله پورجوادی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اوک، ۱۳۶۳	۱۴- فیه ما فیه جلال الدین محمد مولوی، تصحیحات و حواشی: بدیع الزمان فروزانفر، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۳۶۹
۵- یا علی ذات ثبوت قل هو الله احد- نام تو نقش نیکن امر الله الصمد لم یلد از مادر گیتی و لم یولد چو تو- لم یکن بعد از نبی مثلت له کفوا احد مثنوی نیکلسون، دفتر اوک مصراع دوم بیت ۳۷۲۳	۲- نهج البلاغه، الدكتور صبحی صالح، الناشر، دار الاسوة للطباعة و النشر، سنة النشر ۱۴۱۵ هـ.	۱۰- شرح مثنوی شریف، بدیع الزمان لاهوتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۴	۱۵- احادیث مثنوی، بدیع الزمان فروزانفر، چاپ و صحافی: چاپخانه سپهر، تهران، چاپ ۱۳۶۶
۶- به نقل از پاورقی مثنوی نسخه رضانی ص ۷۲	۳- نهج البلاغه، ترجمه ی دکتر جعفر شهیدی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۱		
۷- ج ۱ ص ۷ صوت العدالة الانسانیة جرج جرداق	۴- تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی (در پانزده جلد)، محمدتقی جعفری، انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۶۶		
۸- شرح مثنوی، جزو چهارم از دفتر اول، دکتر جعفر شهیدی ص ۷	۵- شرح مثنوی معنوی مولوی (در ۶ جلد) رینولد لاین نیکلسون، مترجم: حسن		
۹- مقدمه ی ترجمه نهج البلاغه (دکتر شهیدی)			